

خلاصه کتاب
برنامه ریزی درآموزش عالی

مؤلفین
دکتر محمد مهدی ظاهری
احمد رضا روشن



نشر ریسمان

۱۳۹۲

سرشناسه: مظاهری، محمد مهدی، ۱۳۳۰.
عنوان و پدیدآورنده: خلاصه کتاب برنامه ریزی در آموزش عالی / محمد مهدی مظاهری -
احمد رضا روشن
مشخصات نشر: ریسمان، ایلام، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۲۴۷ص، جدول.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۱۶-۶-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: دانشگاهها و مدارس عالی - برنامه ریزی.
موضوع: آموزش عالی - ایران.
موضوع: آموزش عالی - هدفها و نقشها.
شناسه افزودن: روشن، احمد رضا، پدیدآور همکار.
رده بندی کنگره: LB ۲۳۲۱/۲/م ۴
رده بندی دیویی: ۳۷۸/۱



نشر ریسمان

خلاصه کتاب برنامه ریزی در آموزش عالی
محمد مهدی مظاهری - احمد رضا روشن
صفحه آرا: نادری
ویراستار: علیرضا فرجی
طراح جلد: مؤسسه ققنوس
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۵۰
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۷۱۶-۶-۵
حق چاپ محفوظ است.

WWW.RISMANPUB.COM

INFO@RISMANPUB.COM

مرکز پخش تهران:

فروشگاه شماره ۱: پخش کتاب حدیث - تلفکس ۶۶۹۷۸۵۱۸

فروشگاه شماره ۲: پخش گزیده (دوستان) - خیابان فخر رازی - تلفن ۶۶۴۹۲۹۶۲

فروشگاه شماره ۳: انتشارات حکمت - خیابان انقلاب نیش خیابان وصال شیرازی - تلفن ۶۶۴۶۱۲۹۲

پخش شهرستان: ایلام - کتاب ققنوس ۰۹۱۸۱۴۱۳۴۰۴

۹	پیشگفتار
۱۳	فصل اول: کلیات
۱۵	مقدمه
۱۶	اهمیت ایجاد درک مشترک از مفاهیم
۱۷	تعریف برنامه‌ریزی (Planning)
۲۱	برنامه ریزی و توسعه
۲۹	برنامه ریزی آموزش عالی
۳۴	نتیجه گیری
۳۹	فصل دوم: سیر تحول برنامه‌ریزی در جهان
۴۱	مقدمه
۴۱	تحولات مفهومی برنامه ریزی در جهان
۴۷	نتیجه گیری
۵۱	فصل سوم: برنامه‌ریزی در ایران قبل از انقلاب
۵۳	مقدمه
۵۳	تاریخچه برنامه ریزی در ایران
۶۱	نتیجه گیری
۶۳	فصل چهارم: اصول برنامه‌ریزی آموزش عالی
۶۵	مقدمه

۶۶	 برنامه بلند مدت یا برنامه دوربرد
۶۷	 برنامه‌ریزی مستقیم و غیرمستقیم
۶۸	 پیش‌بینی
۷۰	 آینده‌شناسی
۷۳	 پیوستگی و سازگاری برنامه‌ها
۷۴	 همراهی مردم
۷۷	 انتخاب بین سه گانه‌ها و دوگانه‌های راهبردی
۷۸	 مهار جمعیت
۷۹	 سازمان برنامه‌ریزی
۸۱	 ظرفیت اجرا
۸۲	 ضرورت تدوین برنامه اضطراری
۸۳	 گزارش‌گیری
۸۵	 ارزیابی
۹۰	 آمار و اطلاعات
۹۱	 تعیین اهداف
۹۶	 سیاست‌های کلان اقتصادی برای آموزش عالی
۹۷	 برنامه‌ریزی آموزش عالی و مدل
۹۸	 برنامه‌ریزی آموزش عالی و بودجه‌بندی
۹۹	 جهانی شدن
۱۰۱	 برنامه‌ریزی آموزش عالی و فرهنگ
۱۰۲	 محاسبه داده-ستانده برای آموزش عالی
۱۰۳	 حکومت و دولت توسعه‌گرا
۱۰۷	 بخش خصوصی
۱۰۷	 دید سیستمی
۱۰۸	 همسو بودن برنامه آموزش عالی با اهداف کلان
۱۱۲	 نتیجه‌گیری

فصل پنجم: برنامه‌ریزی آموزش عالی در ایران.....	۱۱۵
مقدمه.....	۱۱۷
تعریف برنامه‌ریزی آموزشی.....	۱۱۸
نظام آموزش عالی.....	۱۲۲
ساختار آموزش عالی در ایران.....	۱۲۲
انواع برنامه‌های آموزشی.....	۱۲۴
آموزش عالی در برنامه‌های قبل از انقلاب.....	۱۲۵
آموزش عالی در برنامه‌های بعد از انقلاب.....	۱۲۸
بررسی برنامه‌های آموزش عالی بعد از انقلاب.....	۱۳۰
الف- برنامه اول توسعه (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸).....	۱۳۰
ب - برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸ - ۱۳۷۴).....	۱۳۵
پ - برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹).....	۱۳۹
ت- برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸ - ۱۳۸۴).....	۱۴۵
نتیجه‌گیری.....	۱۵۰
ضمیمه: فعالیت‌های طراحی و تدوین برنامه‌ریزی آموزش عالی.....	۱۵۲
فصل ششم: تحلیل کلی برنامه‌های بخش آموزش عالی.....	۱۶۱
رعایت اصول برنامه‌ریزی.....	۱۶۳
خط مشیها و سیاستها.....	۱۷۲
برنامه‌ریزی برای رفع کانونهای بحرانی نظام آموزش عالی.....	۱۸۰
فصل هفتم: مدل مشتری مداری در برنامه‌ریزی آموزش عالی.....	۱۹۷
مقدمه.....	۱۹۹
تحولات جدید در روش‌های برنامه‌ریزی آموزش عالی.....	۱۹۹
الگوهای مشارکتی - تعاملی.....	۲۰۲
رویکرد مشتری مداری.....	۲۰۴
هسته فکری برنامه‌ریزی با رویکرد مشتری مداری.....	۲۱۰
کیفیت و مشتری مداری در آموزش عالی.....	۲۱۱

۲۱۲		جامعه و آموزش عالی
۲۱۳		انتظارات دانشجویان و کارفرمایان
۲۱۵		نتیجه گیری
۲۱۷		فصل هشتم: بحث و نتیجه گیری
۲۴۱		منابع و مآخذ

www.ketab.ir

پیشگفتار

ایران یکی از پیشگامان امر برنامه‌ریزی توسعه در میان کشورهای در حال توسعه است. اولین برنامه توسعه در ایران به سال ۱۹۴۸ به اجرا در آمد و تاکنون نه برنامه توسعه (پنج برنامه قبل و چهار برنامه بعد از انقلاب) طرحی شده و به اجرا در آمده است. اما در مجموع، اغلب صاحب‌نظران توسعه، عملکرد این برنامه‌ها را مثبت ارزیابی نمی‌کنند.

برنامه باید مآلاً سندی باشد که در آن ملتی آزادانه و هشیارانه آینده خود را به تصویر بکشد. شکست برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته در اثر بی‌توجهی به کیفیات طراحی برنامه است. از جمله: دوری، عدم مداخله و بیگانگی مردم نسبت به تصمیم‌هایی که حاکم بر سرنوشت آنان است و در برنامه گنجانده می‌شود.

به طور کلی قرن بیستم میلادی را قرن صعود و افول برنامه‌ریزی توسعه دانسته‌اند. آنجا که در دهه دوم آن قرن و با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی، برنامه‌ریزی به عنوان ابزاری بشری برای تفوق بر موانع توسعه و پیشرفت جامعه نمایان شد و تا چند دهه توانایی خود را نشان داد تا اینکه در دو دهه پایانی قرن بیستم و شکست نظام برنامه‌ریزی در کشورهای کمونیستی و جهان سوم دوران افول و تردید در برنامه آغاز گشت تا جایی که حتی برخی پیشنهاد کنار گذاشتن کامل آن را مطرح کرده‌اند چراکه برنامه‌ریزی ملی به عنوان تلاشی برای کنترل تمام

وجوه یک کشور به شکلی که گویی اقتصاد و سایر ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور، همچون ماشینی کاملاً شناخته شده است کارایی ندارد.

اما برنامه‌ریزی نه دارای حسن ذاتی است و نه دارای قبح ذاتی، بلکه حسن و قبح آن در نحوه تدوین برنامه، ماهیت آن، نحوه اجرا، نحوه نظارت، ارزیابی و اصلاح آن مشخص می‌شود. با این وجود اگر توسعه را آرمان یک جامعه برای دستیابی به زندگی بهتر و متعالی‌تر بدانیم، برنامه‌ریزی یکی از بهترین ابزارها برای رسیدن به این هدف آرمانی است. در واقع برنامه‌ریزی فرایندی برای دستیابی سریع‌تر و آسان‌تر به هدف توسعه است که در آن هم مسیر و هم مراحل رسیدن به هدف و هم نحوه دستیابی به آن تعیین می‌شود. برنامه‌ریزی، عنصر آگاهی یا حرکت آگاهانه را دارد عرصه‌ای که در آن برنامه‌ریزی می‌شود، می‌نماید. بدین ترتیب «ماشین رنده برنامه‌ریزی» به مثابه ابزاری ارگانیکی و نه مکانیکی به کار گرفته می‌شود.

از سویی دیگر و چنانکه می‌دانیم به اندازه‌ای قادریم جهان کنونی را دگرگون سازیم که آن را بفهمیم. برنامه‌ریزی یک ابزار شناخت است. به علاوه، هدف نهایی برنامه، برآورده ساختن هر چه کامل‌ترین نیازهای جامعه است، گرچه افزایش تولید اقتصادی و رفع نیازهای مختلف بشری در نفس خود هدف نیست بلکه وسیله‌ای برای ساختمان جامعه متعالی انسانی شمرده می‌شود. برنامه نوعی قرار داد است و قراردادهای عدم اطمینان و در نتیجه هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهند. طی چندین دهه گذشته در کشورهای توسعه یافته و کشورهای موفق در حال توسعه هر جا که دستاوردی (چه کوچک و چه بزرگ) به چشم می‌خورد حاصل تفکر، تدبیر و برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی موفق قبل از هر چیز وابسته به دانش و توان به کار گرفتن دانش و شناخت دقیق و جزئی بخشی که راجع به آن می‌خواهیم برنامه‌ریزی کنیم، است. همچنین در طراحی برنامه باید «مرحله رشد و توسعه» یک کشور را یکی از مهم‌ترین عوامل بر شمرده به علاوه، با وجود آن که ممکن است در مجموع، اکثر افراد با مفید بودن نسبی امر برنامه‌ریزی موافقت

داشته باشند تضاد در این مورد که از میان گزینه های برنامه های موجود، کدام یک برگزیده شود، ممکن است چنان حاد شود که هیچ برنامه ای، برگزیده و یا به درستی اجرا نشود.

در عصر دانایی که آموزش عالی و دانشگاه به عنوان محور عقلانیت جامعه قلمداد می شوند و مراکز آموزشی عالی حکم مولد و یا ژنراتورهای تولید نیروی انسانی صلاحیت دار را دارند و سند چشم انداز بیست ساله نیز بر اهمیت علم و فناوری تاکید تام داشته است بررسی برنامه ریزی در آموزش عالی و برنامه های آموزش عالی و تشخیص عوامل مثبت و منفی آن ضرورتی اساسی است.

به طور کلی عملکرد برنامه های توسعه کشور در بخش آموزش عالی پس از انقلاب نشان میدهد موفقیت برنامه های توسعه این بخش، عمدتاً در زمینه اهداف کمی و نه کیفی است و در مجموع شاهد عدم ارتباط منطقی میان اهداف کلان و سیاست های اجرایی بوده ایم. به عبارت دیگر، در برنامه های مربوط به بخش آموزش عالی، تحقیقات و فناوری تفاوت بسیاری میان تدوین برنامه و اجرای آن قابل مشاهده است. گاهی برنامه ها تدوین می شود ولی هرگز پیاده نمی شود. برخی هم به مرحله اجرا می رسد ولی تا مرحله رسیدن به هدف ها دنبال نمی شود. مهم ترین موانع بر سر راه اجرای موفقیت آمیز برنامه های آموزش عالی در ایران را می توان به شرح زیر برشمرد: بی ثباتی سیاست ها، عدم دقت در تعیین هدف ها و ابزارهای مورد استفاده برای تحقق آنها، تعلل در به اجرا درآوردن سیاست ها، فراهم نکردن منابع مهم مورد نیاز، نواقص بازار و عدم توازن عرضه و تقاضا، نبود تأمین مالی کافی، نبود مدیریت دارای توان و اراده قوی و نبود چارچوب نهادی، سازمانی و اداری مناسب.